

جمهوری اسلامی

طرحواره‌ای از آیه‌الله سید محمد باقر صدر

مترجم: سید جعفر حجت

از انتشارات روزبه

با همکاری کتابخانه بزرگ اسلامی تهران خیابان گوته پلاک ۲۲۱ تلفن ۲۵۲۸۴۹

این طرح را حضرت آیه‌الله سید محمد باقر صدر از نجف اشرف در پاسخ گروهی از علمای لبنان نگاشته‌اند . با توجه به عنایتی که در این ایام به مسأله جمهوری اسلامی است، از عربی به فارسی برگردانده شد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر شما پوشیده نیست که طرح جمهوری اسلامی که پرچم انقلابش به دست توانای حضرت آیه الله العظمی امام خمینی-دام ظلّه- افراشته شده دنیا را به لرزه درآورد، و در سرزمین‌های اسلامی، و بلکه در همه عالم تاثیر مثبت و شگرفی گذاشت، اما پذیرفتن این معنی از دیدگاه‌های مادی با تردید و انکار تلقی می‌شود و در نظر آنها ادغام دولت و اسلام و آسمانی کردن مساله حکومت بی‌معنی می‌نماید .

اینان ادعا می‌کنند: حکومت پدیده‌ای زمینی است و ارتباطی با آسمان ندارد و هر تلاشی در این زمینه، شعاری بی‌محتوی است. با توجه به اینکه در همه‌ی اقطار اسلامی آن جناب را به مهارت و چیرگی در فقه و تبحر در شاخه‌های معارف اسلام می‌شناسند، و به تسلط کافی شما بر مکتب‌ها و افکار روز آگاهی دارند، امیدواریم با روشن کردن این مساله، ما را بهره‌مند ساخته و بیان فرمائید: "جمهوری اسلامی بر چه اساس فکری استوار است؟"

سید محمد الغروی - الشیخ علی طحینی - الشیخ حسن حریری - الشیخ محمد جعفر شمس الدین - الشیخ راعب حرب .

۲۸ صفر ۱۳۹۹ هجری قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر رهبر انسانها، محمد مصطفی(ص) و درود بر خجسته پیشوایانی که از خاندان پاک اویند و بر نیکان و شایستگان اصحابش پس آنگاه، اهتمام مسؤولانهای شما را نسبت به برنامه مبارکی که رایتش توسط آیه الله العظمی امام خمینی افراشته شد، و جانها و دلهای همه مسلمانها بدان شگفته و خرم گردید، ارج می‌نهم .

می‌کوشم در طی آنچه می‌آید، سخنانی را یاد آور شوم که در این فرصت گرانبها، روشنگر راهی شود و به طرح اندیشه‌های اسلامی و پیشنهادها قابل اجرا کمک کند. با تاکید بر اینکه، این امام مجاهد، پرچم نهضت را به اهتزاز در آورد و اوست که توانست آن را به پیروزی برساند، در اینجا نیز او صاحب رای متین و پایگاه استوار در برگزیدن بهترین طرح است. و همه‌ی ما مطمئنیم همانگونه که وی به طریزی دلپذیر، طاغوت را نابود و ایران را از تاریکی‌ها بیرون آورد، این پیروزی بزرگ را بارور کرده و به تطبیق کامل آئین اسلام می‌رساند. و بار دیگر جهان و جهانیان را به شگفتی خواهد نشانند .

حکومت، یک پدیده اصیل اجتماعی در زندگانی بشر است که به دست انبیاء الهی و رسالت‌های آسمانی به وجود آمده، پیکر درست و سالم آن برای رهبری جوامع بشری و استوار کردن آن بر پایه‌های حق و عدالت به منظور ایجاد وحدت و رساندن آن به مسیر اصلی و صحیح از برنامه‌های پیامبران شکل گرفته است. خداوند می‌فرماید :

" مردمان یک امت بودند، خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و با ایشان کتاب حق فرو فرستاد تا بین مردم در آنچه اختلاف دارند، داوری کند و اختلاف نکردند مگر کسانی که پیامبران به سویشان فرستاده شده و دلائل روشن بدانها رسیده بود و این اختلاف از روی ستمگری بود. و مومنان در این اختلافات باذن خداوند به حق هدایت شدند و خداوند آن کس را که بخواهد براه راست هدایت می‌کند" (۱)

از این آیه به دست می‌آوریم که مردمان در آغاز یکپارچه بودند، در آن زمانی که فطرت پاک انسانی حکمفرما بود، بینش آنها از زندگی، ابتدائی همشان محدود و نیازشان ساده بود، فعالیت‌های اجتماعی موهبتها و استعدادها را شکوفا کرد، امکانات تازه‌ای بوجود آمد، چشم انداز بشر وسعت گرفت، آگاهی‌ها افزون و نیازمندی‌ها پیچیده شد. و بدین گونه، اختلاف پا گرفت و بین توانا و ناتوان تناقض بوجود آمد، زندگی اجتماعی محتاج قانونی شد که حق را مشخص کند، دادگری را بر پا دارد . و وحدت جامعه را در چهار چوب سالمی تضمین نماید، و همه استعدادهایی که در آزمایش زندگی رشد کرده بود بجای آنکه موجب کشمکش و دوگانگی و بهره کشی شود، بر محوری قرار دهد که به خیر و آرامش و استقرار همگان بیانجامد .

در این مرحله حساس اجتماعی، حکومت به دست پیامبران ایجاد شد و آنها برای بر پا ساختن حکومتی سالم قیام کردند و خداوند پایه‌های دولت‌حق را چنانچه در آیه بالا خواندیم، استوار ساخت .

انبیاء الهی هر یک به نحوی در ماموریت عظیم خود برای بنای یک دولت شایسته کوشش نمودند، گروهی از آنها مانند داود و سلیمان نبی -علیه السلام- خود عهده‌دار حکومت شدند و موسی -علیه السلام- سرتاسر حیات خود را در بر پا کردن این امر گذارند .

پیامبر اسلام، کوشش‌های انبیاء گذشته را به بهترین صورت در قالب پاکترین دولت تاریخ در آورد، دولت اسلام نقطه عطفی در تاریخ بشریت است که در آن تمام ویژگی‌های یک حکومت شایسته به صورت کامل نمایان است، با وجودی که پس از رسول خدا غالب خلفای اسلامی شایستگی نداشتند و در بند اهداف عالی اسلام نبودند، اما امامت که استمرار نبوت است، کوشش پی‌گیر خود را برای برگرداندن دولت‌های منحرف اسلامی به مسیر درست آن آغاز کرد، ائمه -علیهم السلام- در این راه فداکاری‌های بزرگی نمودند و شهادت حسین بن علی -علیه السلام- و یاران پاک و برگزیده‌اش، نمودار روشنی از این جهاد بزرگ است .

امامت پس از غیبت کبری به مرجعیت منتهی شد، همانگونه که اصل امامت استمرار پیامبری و نبوت بود . مرجعیت بار این رسالت بزرگ را به دوش کشید و در درازنای زمان، به صورت گوناگون در انجام این مهم یا تهیه مقدمات آن سخت کوشا بود .

علمای شیعه، به یاری صالحین و مستضعفین امت اسلامی، زندگی خود را در مبارزه و طرد با اشکال گوناگون باطل سپری کردند و بر اینکه به دولت پیامبران و ائمه که دولت حق و عدل است، تعلق دارند پای فشردند، همان دولتی که همه نیکان روزگار و شایستگان بشر دوست برای برپائیش قیام کرده و مبارزه نمودند .

ملت مسلمان و قهرمان ایران، توانست اساس طرد همیشگی طاغوت را بریزد و بر جاده پیامبران و پیشوایان استوار بماند زیرا این مردم بیش از دیگران با مرجعیت شیعه محشور بود و معارف دینی خود را از این چشمه گوارا می نوشید .

نهضت مقدس ملت مسلمان ایران، در پرتو رهنمودهای مرجعیت شایسته‌ای که الحق امام خمینی -دام‌طله- بر فراز قله آگاهی رسالت و سیاست آن قرار دارد، در نبرد تلخ و دردناکش با طاغوت‌های کفر در برابر فرعون جدید دلیرانه ایستادگی کرد و بزرگترین شکست را به وی و به پاسداران کفر و استعمار در سرزمین‌های اسلامی وارد آورد .

طبیعی است که ایمان ملت مسلمان افزون شود، ایمان به رسالت بزرگش، ایمان به اینکه توانائی را از اسلام به دست آورد، زیرا به نور اسلام و جهادی که مرجعیت اسلامش پی ریخت و به سخت کوشی قائد بزرگ امام خمینی توانست محکمترین قیود را بشکند و گردن خود را از گرانترین زنجیر اسارت برهاند، پس اسلام رسالت تنها نیست بل رهائی بخش و تنها نیروی مقاومتی است که این ملت را به پیروزی بزرگ رسانده، و از اینجاست که طرح «جمهوری اسلامی» از جانب این مرجع رشید، تعبیر زنده‌ای است از هدف و شعار اسلامی که از درون جامعه ایرانی بر می‌خیزد و نتیجه طبیعی این جهاد و ضامن استمرار این ملت در راه نصرتی که خداوند وعده کرده است می‌باشد .

ملت بزرگ ایران، با قیام به برقراری جمهوری اسلامی و طرح این اندیشه نه تنها به تجدید حیات خود پرداخته، بلکه در این دوران تاریک که همه ملل مسلمان چشم به راه نجات دهنده‌ای هستند که آنها را از سیطره غرب و تمدن فریبا و استعمارگرش رهائی بخشید، و تمام توده‌های انسانی نیاز به رسالتی را که به بهره‌کشی انسان از انسان خاتمه دهد حس می‌کنند، پرتوی نجات بخش بر عالم اسلامی و بر سرتاسر جهان افکند:

ملت مسلمان ایران در این لحظات شکوهمند تاریخی و پر از جهاد و قهرمانی که نوید پیروزی و انقلاب واقعی می‌دهد، برای نخستین بار در قرون اخیر طرح حکومت اسلامی را عنوان می‌کند و مصمم است که دستور الهی را در یک آزمایش موفق و حیاتبخش قرار دهد، و همچنانکه این مردم شریف، وجدان جهان را برانگیخت و ارزش‌های بی‌اساس مادی را با ارزش‌هایی که در طول مبارزه نشان داد متزلزل ساخت بار دیگر نهاد بشریت ره گم کرده و درون میلیون‌ها دردمند را با تطبیق رسالت اسلامی به هیجان می‌آورد و عالم را در نور جدیدی یعنی نور اسلام فرو می‌برد، نوری که انسان غربی و مزدورانش مانع پرتو افشانی آن بودند، اینها با اعمال قدرت نظامی و ارائه تمدنی پوک و فریبا و با تحریف عقاید، کوشش کردند جهان اسلام را از این روشنی دور نگهدارند تا سیطره خود را حفظ کنند و شرق اسلامی پیوسته دنباله رو تمدن غربی باشد .

اسلامی که به زور سرنیزه و سیاست بازی در دژهای تاریک زندانی بود و هر گروه رنگی به دلخواه بر آن کشیده بود ، به دست ایرانی مسلمان از تاریکی و اختناق رها شد ، لرزه‌ای به جان ستمگران افکند و سمبلی برتر برای ایجاد یک ملت مجاهد و قهرمان گردید، شمشیر برنده‌ای بر علیه طاغیان و پاسداران استعمار از غلاف برون آمد و پایه‌ای برای تولد جدید امت‌ها استوار ساخت، امام خمینی با پرده برداشتن از چهره نهفته اسلام، نه تنها به بهترین دلیل بر توانائی اسلام و قهرمانی ملت ایران ارائه داد، بلکه بزرگی جنایت زندانبانان اسلام و کسانی را که نمی‌گذاشتند اسلام شناخته شود و نیروی شگرف سازنده‌اش بکار افتد، مبرهن نمود و به زودی این فروغ نوین اسلام که به دست مسلمان ایرانی پرتو افکنده رژیم‌هایی را که مزدورانه نام اسلام بخود بسته‌اند رسوا می‌کند، ب دان گونه که رژیم‌های ضد اسلامی را رسوا کرد .

* پایه‌های فکری و اساسی جمهوری اسلامی

با در نظر گرفتن خصوصیات معنوی ملت ایران :

بینشی که از اسلام به عنوان برنامه اساسی زندگی دارند . ایمان‌شان به مرجعیت مبارز و زعامت آگاه و مجاهدی که این مردم را در سخت‌ترین دوران مبارزه به غلبه بر طاغوت و پیروزی رهنمون شد و با توجه به کرامت انسان ایرانی و سهم بزرگ وی در آزادی و برابری و سازندگی اجتماع نوین اسلامی، امور زیر را که پایه‌های فکری و اساسی جمهوری اسلامی است ارائه می‌دهیم :

۱/ حاکمیت مطلق از آن خداوند است، تحکیم این حقیقت بزرگ، عظیم‌ترین انقلابی است که به وسیله انبیاء الهی آغاز شد و به خاطر آزاد کردن انسان از بردگی انسان خود را در میدان این مبارزه افکندند، مقصود از حاکمیت مطلق خداوند اینست که:

انسان آزاد است و هیچ کس و هیچ طبقه و هیچ گروه بر وی سروری ندارد و سیادت و آقائی ویژه خداوند است، این اصل هر گونه زورگوئی و بهره‌کشی و سلطه انسان را بر انسان نابود می‌سازد .

پادشاهان سرکشان روزگار نیز دوران درازی از این حق الهی دم می‌زدند، لکن این با آنچه انبیا مردم را با شعار: لا اله الا الله به آن دعوت کردند، اساساً متفاوت است. این ستمگران، اسما حکومت را به خدا نسبت می‌دادند تا خود از آن بهره بگیرند، و به نام خدا هر که را خود می‌خواستند بر سر مردم مسلط می‌کردند، ولی پیامبران و کاروانی که به رهبری آنها در راه آزاد کردن انسان‌ها حرکت کرده است، به حاکمیت مطلق الهی ایمان داشتند و خود را از هر گونه تفوق طلبی و برتری جوئی که چه بسا در قالب انسان دوستی عرضه می‌شد دور نگهداشته و حاکمیت «الله» را به صورت واقعی در آئین خود مجسم کرده‌اند و هیچ فرد و گروه یا خاندانی نمی‌تواند از آن برای سلطه جوئی سوء استفاده کند و تا زمانی که «الله» اساس حاکمیت‌ها و نظام اسلامی جلوه‌گاه آن حکومت باشد، خود بخود همه فرمانروائی‌ها و حاکمیت‌های ظالمانه، به وسیله این آئین از میان می‌رود .

۲/ اساس قانونگذاری در جمهوری اسلامی احکام اسلام است و همه برنامه‌ها در پرتو شریعت اسلامی وضع می‌شود بدین روش :

الف) احکامی که ثابت بودن آن در فقه اسلامی روشن شده است، به اندازه ارتباطش با زندگی اجتماعی، جزء ثابت و استوار قانون اساسی شمرده می‌شود .

ب) در احکامی که مجتهدان بر اساس اجتهاد مشروع چند رای مختلف دارند، «قوه مقننه» در برگزیدن یکی از آنها بر اساس مصلحت جامعه آزاد است .

ج) برای اموری که مشمول حکم قاطع و جوب و حرمت نباشد، «قوه مقننه» که نماینده ملت است، آنچه را مصلحت مردم می‌داند، به صورتی که معارض با اساس قوانین اسلام نباشد، قانون وضع می‌کند .

قلمرو این قانونگذاری، شامل همه مواردی که شرع آنها را به صلاحدید خود مردم وا گذاشته و به مکلف آزادی عمل - در حد عدم معارضه با سایر احکام اسلامی- داده است، می‌شود و این بخش را -بخش آزاد قانون گذاری- می‌نامیم.

۳/ «قوه مقننه» و «قوه مجریه» مستند به مردم است، و در حقیقت امت است که در چهار چوب قانون اساسی اسلام عهده‌دار این دو امر مهم می‌باشد. و این حق خلافتی است که خداوند به بشر عنایت فرموده و امت با داشتن چنین خلافتی رشیدانه، احساس مسئولیت می‌کند، زیرا با سمت «جانشینی خدا» در زمین تصرف می‌کند با این وصف حتی امت نیز اساس حاکمیت و سلطه نیست، و تنها در برابر خداوند مسئول حمل امانت او می‌باشد .

" انا عرضنا الامانة على السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا. (۲)

ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوهها عرضه کردیم و همه از حمل آن سر باز زدند و ترسیدند، و انسان حمل آن را به عهده گرفت، هر آینه او ستمگر و نادانست. "

مردم چگونه عهده‌دار این دو امر می‌شوند؟

چگونگی اقدام مردم در پدید آوردن «قوه مقننه» و «مجریه» به صورت زیر است :

اول/ بر مردم است که رئیس حکومت را (خواه به نام نخست وزیر و خواه به نام ریاست جمهوری، هر یک که عهده‌دار اداره مملکت‌شود) پس از آنکه از طرف مرجع کاندیدا شد، انتخاب کنند [نحوه نامزد شدن رئیس از ناحیه مرجع در شماره چهارم بیان می‌شود] و رئیس انتخاب شده، خود اعضاء حکومت‌خود را معین می‌نماید .

دوم/ مردم با انتخاب آزاد و مستقیم، مجلسی را از اهل حل و عقد (مجلس موسسان) بوجود می‌آورند وظایف مجلس موسسان بدین شرح است :

الف) رسمی کردن اعضائی که رئیس مملکت برای اجرای قوانین برگزیده است .

ب) برگزیدن یکی از آراء اجتهادی طبق مصالح مردم .

ج) پر کردن بخش آزاد قانونگذاری، با جعل قوانین مناسب .

د) نظارت بر هیئت دولت در اجرای قوانین، با داشتن حق مواخذه و استیضاح .

چهارم/ مرجعیت صالح و شایسته نماینده شرعی اسلام است، و مرجع از ناحیه شرعی نایب عام امام علیه السلام میباشد و در حکومت اسلامی بر امور زیر ولایت دارد :

۱/ پایه اساسی، حکومت اوست و دولت بواسطه ولایت او ارزش پیدا می‌کند، و فرماندهی ارتش به وی اختصاص دارد .

۲/ تعیین کاندیدا و یا امضای کاندیدای انتخاب شده برای ریاست قوه مجریه از شئون مرجعیت است و تعیین و امضای او از کسی که در انتخابات کاملاً پیروز شده، به معنی اعطای ولایت و وکالت شرعی می‌باشد، و این تعیین و امضاء به رئیس قداست و شرعیت می‌دهد .

۳/ تشخیص اینکه قانون اساسی وضع شده برابر با شریعت اسلامی است یا نه؟ در صلاحیت مرجع می‌باشد .

۴/ قطعی کردن قوانین اجتماعی (که در بخش آزاد قانونگذاری وضع شده) در اختیار مرجع است .

۵/ اگر در موارد گذشته اختلافاتی پدید آید، مرجع دادگاهی برای بررسی اقامه مینماید .

۶/ مرجع برای رسیدگی به شکایات و مراعات و حفظ حقوق ستمدیگان در همه نقاط کشور محاکم صالحه برپا می‌کند. و همچنین مرجع مجلسی را مرکب از صد نفر روحانی آگاه و روشن گرد می‌آورد. افراد این مجمع از علمای بزرگ حوزه‌ها و شهرستان‌ها و گویندگان و نویسندگان و متفکرین اسلامی برگزیده می‌شوند و حداقل باید ده مجتهد در بین آنها باشد و مرجعیت در این مجلس امور زعامت‌خود را در دست می‌گیرد و این مجلس را «شورای مرجعیت» نام می‌گذاریم .

مرجعیت چیست و در چه کسی تحقق پیدا می‌کند؟

مرجعیت حقیقتی اجتماعی است که در امت اسلامی وضع شده و بر اساس موازین شرعی استوار است، و در حال حاضر در رهبر انقلاب ایران (امام خمینی دام ظلّه) که حدود بیست سال است ملت را رهبری می‌کند و مردم ایران به واسطه رهنمودهای دلیرانه و آگاهانه وی به پیروزی رسیده‌اند، تحقق یافته است. و اما بطور عموم بعنوان ممثل اعلاى دولت اسلامی در طول زمان می‌باید در کسی تحقق یابد که به ویژگیهای زیر آراسته باشد :

اول/ دارا بودن صفات مرجع دینی از اجتهاد مطلق و عدالت .

دوم/ اصول فکری وی که از خلال تالیفات و مباحثش بدست می‌آید، روشننگر ایمان وی به حکومت اسلامی و ضرورت پاسداری از آن، باشد .

سوم / مرجعیت او به روشی که پیوسته در تاریخ شیعه مورد قبول بوده، فعلیت یافته باشد .

چهارم / اکثر اعضاء «مجلس شورای مرجعیت» صلاحیت او را تایید نمایند، علاوه بر این گروه زیادی از کارگزاران دینی (که تعداد آنها در قانون اساسی مشخص می‌گردد) مانند علماء و طلاب حوزه‌های علمیه و ائمه جماعت و گویندگان و متفکرین اسلامی شایستگی وی را تایید کنند. در صورت تعدد مراجع صلاحیتدار، مردم در یک رفراندوم، حق تعیین یکی از آنها را دارند .

پنجم / همانگونه که گذشت مردم صاحب حق و عهده دار حمل این امانت (حکومت) هستند، و همگی نسبت به این حق در برابر قانون مساویند، و فرد فرد آنها حق رای و فعالیت سیاسی به گونه‌های مختلف دارند، همانگونه که در انجام مراسم و شعائر دینی و مذهبی خود آزادند، و دولت وظیفه دارد این آزادی را برای هموطنان غیر مسلمانی که از نظر سیاسی او را پذیرفته‌اند و در چهار چوب عقاید عمومی با وی اشتراک دارند، فراهم آورد .

ششم / جمهوری اسلامی ایران به حکم رسالت و مسئولیت عظیمی که دارد، در داخل و خارج ایران وظایف تاریخی بزرگی به عهده دارد.

اما در داخل ایران باید :

۱/ اسلام را در همه شئون زندگی تطبیق نماید .

۲/ با محور هر گونه نظام طبقاتی در معیشت و با برقرار کردن اقتصاد سالم اسلامی و باز گرداندن پخش ثروت به روشهای مشروع و فراهم آوردن وسائل راحت برای فرد فرد ملت، آسایش جامعه و تعادل اجتماعی را تامین نماید .

۳/ در شناساندن اسلام واقعی بکوشد و شخصیت مردم را بر اساس فرهنگ اسلامی طوری تربیت نماید، که پیوسته حافظ انقلاب اسلامی باشند .

و در خارج ایران :

الف) مشعل دار هدایت اسلام در سراسر گیتی باشد .

ب) در امور سیاسی و مبادلات خارجی جانب دار حق و عدالت و نمایانگر نمونه اعلاای اسلام باشد .

ج) فریادرس همه مستضعفین و رنجدیدگان جهان و ستیزه جوی استعمار و طغیان، بویژه در سرزمین‌های اسلامی که ایران جزء جدا ناشدنی آنست، باشد. باید دانست که هرگز اهداف دولت قرآن پایان نمی‌پذیرد، زیرا کلمات الهی پایان ناپذیر است و حرکت بسوی الله در مسیر مطلق متوقف نمی‌شود و اینست راز نیروی شگرف دولت اسلامی و توانائی انقلابی و ابداع همیشگی آن در مسیر حرکت انسان بسوی خدا .

" قل لو كان البحر مداما لكلمات ربى لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربى و لو جئنا بمثله مداما (۳)

بگو اگر دریا برای نگارش کلمات پروردگارم مرکب شود، دریا پایان می‌پذیرد پیش از آنکه سخنان پروردگارم تمام گردد، گر چه همانند آنرا کمک بگیرند"

در پرتو آنچه گذشت می‌توانید مبانی فقهی طرح گذشته را بشرح زیر بدست آورید :

۱/ ولایت اصالة برای کسی جز خدا نیست .

۲/ نیابت عامه مجتهد مطلق و عادل و با کفایت از امام علیه السلام طبق فرموده ولی عصر عجل الله فرجه میباشد :

" و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة احاديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله عليهم (۴)

اما در پدیده‌های زمان و رویدادهای تازه به راویان احادیث ما مراجعه کنید، هر آینه حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم. "

این نص میرساند که آنها در همه رویدادهای زمان به اندازه‌ای که مطابقت اصول زندگی را با شریعت اسلام تضمین نمایند، مرجع مردم میباشند زیرا دستور مراجعه به آنها از جهتی که بازگو کننده احادیث ائمه و حاملین آئین اسلامند به آنها حق ولایت و سرپرستی بر تطبیق احکام اسلام و نظارت کامل بر اجرای آن میدهد .

۳/ خلافت عمومی مردم بر اساس شوری که به آنها حق میدهد عهده‌دار امور خود باشند، در ضمن اشراف و نظارت نائب امام قرار دارد .

۴/ نظریه اهل حل و عقد که دورانی از تاریخ و جامعه اسلامی تطبیق شد، با در نظر گرفتن ویژگیهای زمان لازم است با توجه به قاعده شوری و نظارت مرجع، بصورت مجلسی در آید که اعضاء آن نماینده واقعی مردم باشند .

از خلال مطالب فشرده‌ای که بیان شد، میتوانید شکل حکومت اسلامی را با سایر انواع حکومتها مقایسه کنید و اختلافات اساسی آنها را با اسلام بدست آورید :

اولا: از ناحیه چگونگی پدید آمدن دولت و رشد تاریخی آن، همه آراء و نظریاتی را که اظهار شده مطرود و نادرست دانسته و ایمان داریم، دولت پدیده‌ای است ناشی از ولایت انبیاء الهی که در بخش معینی از تاریخ بشریت بوجود آمده .

{نظریات اظهار شده درباره پیدایش دولت در تاریخ عبارتست از :

الف: حاکمیت زور و اعمال قدرت، حکومت را بوجود آورده .

ب: اعطای حق پادشاهی و حکومت به سلاطین از ناحیه خداوند است .

ج: قرار دادهای اجتماعی حکومت را به وجود آورده است .

د: دولت از خانواده ریشه گرفته است.}

ثانیا : در زمینه وظایف دولت، نظام فردی که بر اساس اصالت فرد است، و روش اشتراکی را که بر اصالت جامعه استوار شده نادرست میدانیم و معتقدیم که حکومت اسلامی تطبیق قوانین الهی است که تعادل بین فرد و جامعه را برقرار می‌نماید، و جامعه واقعی جداگانه در برابر فرد آن گونه که هگل می‌گوید ندارد، بلکه جامعه مجموعه‌ای از افراد و گروههایی است که باید مورد حمایت و رعایت قرار گیرد .

ثالثا: از نظر شکل حکومت: حکومت اسلام حکومت قانون است و به بهترین شکل بر قانون متکی می‌باشد، زیرا قانون اسلام بر حاکم و محکوم به نحو مساوی سیطره دارد، و بنابر این رژیم‌های پادشاهی و همه سیستم‌های حکومت فرد بر مردم و نظام اشرافی از نظر اسلام نادرست است .

رابعا: حکومت اسلامی دارای تمام امتیازات یک دموکراسی است، بدون آنکه نواقص آنرا دارا باشد و بآن امتیازاتی اضافه می‌کند که از انحراف مصون باشد. در نظام دموکراسی، مردم سرچشمه سیادت میباشند ولی در اسلام مردم مرکز جانشینی از ناحیه خدا و پایگاه مسؤولیت در برابر او هستند .

در دموکراسی، قانون پدیده‌ای کاملا انسانی است و در بهترین شکل آن که بندرت واقع می‌شود، همیشه اکثریت بر اقلیت تحکم نموده و حق آنها را نابود می‌نمایند، ولی در اسلام بخش ثابت قانون اساسی، احکام الهی است و این دسته از احکام الهی، ضامن واقع بینی قانون اساسی می‌باشد و نمی‌گذارد هیچ گونه تبعیضی بوجود آید .

بعنوان مثال: اگر اسلام ملکیت همگانی و ملکیت دولت را در جنب ملکیت خاصه(۵) قرار داده، ناظر به این نیست که این تقسیم نتیجه جنگ طبقاتی یا ترجیح مصالح گروه خاصی است، بلکه نشان دهنده موازین حق و عدالت است و از این جهت این قانون گذاری پیش از پدید آمدن آن مرحله از جنگ طبقاتی که مارکس آنرا شرط پیدایش چنین قانونی در جامعه میدانند، بوجود آمد .

خامسا: حکومت اسلامی گرچه از نظر مشخص کردن قدرتها به نظامهای (برگزیدن فرد) شاهدت پیدا می کند ولی بطور کلی با نظامهای دولتهای سرمایه داری که دموکراسی آنها بر اساس جدائی قوه مقننه از مجریه قرار گرفته تفاوت چشم گیری دارد، در حکومت اسلامی همیشه دولت در فردی تحقق پیدا می کند که خصوصیاتش را قوانین شرع معین کرده یا مردم مستقیما او را برگزیده اند، و یا حاکمیت خود را هم از ناحیه شرع و هم از ناحیه انتخاب مردم بدست آورده باشد .

در این مختصر فرصت آن نیست که بطور مشروح تفاوتهای حکومت اسلام را در تجدید قدرتها و رابطه ها، با سایر رژیمهای حکومتی بررسی نمائیم. و این طرح فشرده فقهی، به اختصار پاسخ شما علماء اعلام را در بر دارد و به صورت اجمالی پایه های فکری جمهوری اسلامی را که ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی دام ظلله ارائه داده بازگو می کند، ناگفته نماند که این تنها نظریه ای است قابل بررسی و تطبیق و میتواند در این زمینه مساله را از دیدگاه اسلام روشن کند.

از خداوند بزرگ خواهانم که شما را در پناه خود محفوظ دارد و به خدمتگزاری در راه اسلام و بر افراشتن لوای حق کامیاب گرداند.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

نجف اشرف - محمد باقر صدر

۶ ربیع الاول ۱۳۹۹ هـ.ق

پاورقی مترجم :

۱-سوره بقره/۲۱۳ .

۲-سوره احزاب/۷۲ .

۳-سوره کهف/۱۰۹

۴-کمال الدین باب ۴۵ توفیق چهارم صفحه ۴۸۴ طبق آخوندی+وسائل الشیعه ج ۱۸/باب ۱۱/ح ۹ صفحه ۱۰۱ .

۵-ناگفته نماند ملکیت خاصه بدان معنی که در نظام سرمایه داری یا سایر نظامها جود دارد نیست، ملکیت خاصه اسلام داشتنی است در محدوده ایمان و اخلاق و قوانین اسلام نه داشتنی آزاد که از هر کجا انسان بخواهد بدست آورد و هر گونه خواست مصرف کند.